یکشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۱۵۷
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد اگر اتفاق خاصی در فضای اجتماعی رخ ندهد احتمالا تکلیف رئیس دولت چهاردهم در دور دوم انتخابات مشخص خواهد شد

به دور دوم سلام کنیم؟

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

هنوز ترکیب اصلی نامزدهای انتخابات تیرماه مشخص نشده است. تا پیش از اعلام نظر شورای نگهبان و برگزاری مناظرات تلویزیونی هم نمی‌توان به‌طور قطع از شانس بیشتر نامزدها برای پیروزی در انتخابات گفت. البته فرق این انتخابات با انتخابات‌های دیگر، هم پیش‌بینی در مورد روند و هم نتیجه انتخابات را متفاوت کرده است. با توجه به برگزاری زودهنگام انتخابات ۱۴۰۳، نامزدها فرصت زیادی برای بالا بردن آرای خود ندارند و به نظر می‌رسد بیشتر آنها نیز با فرض داشتن پایگاه رای ثابت به کارزار انتخابات و حفظ آن وارد شده‌اند. در چنین موقعیتی چند فرض وجود دارد؛ اینکه چهره‌های شاخص پیروزی راحت و بی‌دردسری داشته باشند یا حضور چند نامزد، آرای نامزدهای دیگر را بشکنند و رقابت اصلی در مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری اتفاق بیفتد. با این همه، پیش‌بینی‌ها تا اعلام نظر قطعی شورای نگهبان صرفا در حد گمانه‌زنی باقی می‌ماند.

نظرسنجی‌ها چه می‌گویند؟

نگاهی به نظرسنجی‌های مختلفی که در مورد اقبال به نامزدها و احتمال رای‌آوری آنها منتشر شده، نشان می‌دهد در شرایط فعلی مشارکت انتخاباتی به ۵۰ تا ۵۵ درصد نزدیک است. در میان نامزدهایی که تا الان ثبت‌نام کرده‌اند، محمود احمدی‌نژاد با فاصله بیشتری از دیگر رقبا بیشترین اقبال عمومی را به همراه دارد. در میان افرادی که اعلام کردند احمدی‌نژاد گزینه مطلوب آنهاست، نیمی از آنها گفتند درصورتی‌که صلاحیت احمدی‌نژاد مورد تایید قرار نگیرد، تحریم انتخابات گزینه مطلوب‌تری برای آنها خواهد بود. اما بخشی دیگر نیز اعلام کردند درصورت عدم حضور او رای آنها گزینه و چهره‌های مشهور دیگری که در انتخابات حضور دارند، خواهد بود.

انتخابات سه‌ضلعی

بعد از احمدی‌نژاد، سه گزینه دیگر با فاصله‌کمتری در رده بعدی قرار می‌گیرند. محمدباقر قالیباف، سعید جلیلی و علی لاریجانی ازجمله چهره‌هایی هستند که بعد از احمدی‌نژاد بیشترین اقبال عمومی در نظرسنجی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. بعد از این سه نفر دیگر کاندیداهای انتخاباتی قرار دارند که کمتر از یک درصد آرا را به خود اختصاص داده‌اند. براین اساس به نظر می‌رسد با فرض تایید صلاحیت هرسه کاندیدا، انتخابات تیرماه سه گزینه اصلی داشته باشد که برای رسیدن به پاستور با یکدیگر رقابت می‌کنند. البته احتمال اینکه میزان اقبال عمومی به هر یک از چهره‌ها بعد از مناظرات انتخاباتی، تکان بخورد نیز وجود دارد، اما با توجه به زمان کوتاه برگزاری انتخابات، به نظر می‌رسد فرصت چندانی برای ایجاد تغییر قابل توجه در نگاه افکارعمومی وجود نداشته باشد اما بعد از برگزاری مناظرات عدد نظرسنجی‌ها به نتیجه واقعی انتخابات نزدیک‌تر خواهد شد.

انتخابات ۱۴۰۳ به دور دوم کشیده می‌شود؟

هنوز برای قضاوت در مورد شکل انتخابات تیرماه و نتایج احتمالی آن زود است اما با توجه به فضای اجتماعی که در جامعه وجود دارد، امکان ساختن یک موج جدید و سوار شدن روی آن به‌شدت کاهش پیدا می‌کند. علاوه‌براین با حضور چهره‌های متکثری که هرکدام یک میزان رای دارند، احتمال کشیده شدن انتخابات تیرماه به دور دوم قوت پیدا می‌کند. اگرچه وضعیتی که در ثبت‌نام این دوره اتفاق افتاد شباهت زیادی به انتخابات ۹۲ دارد و حسن روحانی که در روزهای اولیه نظرسنجی کمتر از یک درصد رای داشت، توانست رای ویژه‌ای به دست بیاورد اما این دوره تفاوت ویژه‌ای با دوره‌های قبل دارد و آن فرصت کم انتخابات این دوره است. در چنین شرایطی احتمال تغییر نظر مردم و وقوع یک تحول قابل توجه در جامعه تا حد زیادی کاهش پیدا می‌کند. علاوه‌براین با توجه به اینکه برخی از نامزدها پایگاه رای ثابتی دارند، استراتژی آنها درصورت تایید صلاحیت، حداقل حفظ همین پایگاه رای ثابت است تا با تکیه بر آن، علاوه‌براینکه رای دیگر رقبا را بشکنند، انتخابات را به دور دوم بکشانند تا در وضعیت مشابه ۸۴ احتمال پیروزی آنها قوت بیشتری پیدا کند.

اگر انتخابات به دور دوم برود تکلیف مهلت ۵۰ روزه دولت چه می‌شود؟

با فرض اینکه انتخابات تیرماه به مرحله دوم خواهد رفت، چند نکته مورد توجه قرار می‌گیرد که به نظر می‌رسد می‌بایست احتمالات لازم در مورد آن در نظر گرفته شود. روز ۳۱ اردیبهشت ماه محمدمخبر به‌عنوان سرپرست ریاست‌جمهوری، اداره دولت را به مدت ۵۰ روز آغاز کرد. براین اساس تقریبا در میانه تیرماه، یعنی ۱۹ تیرماه زمان اداره ۵۰ روزه دولت سیزدهم توسط مخبر به پایان می‌رسد. اگر انتخابات ریاست‌جمهوری به مرحله دوم برسد، ۱۵ تیرماه روز برگزاری مرحله دوم است. سوالی که در این میان وجود دارد این است، درحالی‌که ۴ روز بعد مهلت اداره دولت توسط مخبر به پایان می‌رسد، سازوکار اداره دولت به چه شکلی خواهد بود؟ قطعا در این زمان کوتاه رئیس جمهور جدید نمی‌تواند ترکیب جدید کابینه را تعیین و جلسه هیات‌دولت را تشکیل دهد. براین مبنا فعالیت دولت به چه شکلی خواهد بود؟ آیا رئیس‌جمهور جدید کابینه قبلی را اداره خواهد کرد تا ترکیب جدید را مشخص کند یا همچنان مخبر مدیریت دولت را به عهده خواهد داشت؟ به نظر می‌رسد اینها سوالاتی است که می‌بایست تمهیدات لازم در مورد اداره دولت و مدیریت آن در صورت راه یافتن انتخابات به دور دوم از جانب نهادهای ناظر در نظر گرفته شود.

وجه سلبی نامه دولتی‌ها پررنگ‌تر از وجه ایجابی

درحالی‌که هنوز نتایج بررسی شورای نگهبان اعلام نشده، گمانه‌زنی‌هایی در مورد گزینه اصلی درون دولت، مطرح شده است که هنوز در مرحله گمانه‌زنی باقی مانده است. تا الان نزدیک به ۵ نفر از درون دولت در انتخابات نام‌نویسی کرده‌اند که یک نفر آنها داوود منظور، جمعه شب انصراف خود از کاندیداتوری را اعلام کرد. حالا توجهات به گزینه‌های دیگر دولت یعنی مهرداد بذرپاش، صولت مرتضوی، اسماعیلی و قاضی‌زاده‌هاشمی است. تقریبا همه این نامزدها بعد از نام‌نویسی اعلام کردند قرار است مسیر دولت سیزدهم را ادامه دهند. علاوه‌براین، سعید جلیلی نیز ازجمله افرادی بود که بعد از نام‌نویسی و در چهارچوب تشکیلات دولت سایه، تلاش کرد تا این تصور را به وجود آورد که در این سه سال، جلیلی در قالب تشکیلات دولت سایه در دولت سیزدهم فعالیت می‌کرده و احتمالا رای اشتراکی بیشتری با گزینه دولت خواهد داشت و حالا او تنها و بهترین گزینه‌ای است که قرار است مسیر دولت سیزدهم را ادامه دهد. از طرفی صداهایی هم از درون دولت بلند می‌شود که دولت هیچ گزینه مورد حمایتی در انتخابات تیرماه نخواهد داشت. البته اسماعیلی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور هم به این موضوع اشاره کرد که دولت «از لحاظ شخصیت حقوقی نامزد یا کاندیدایی ندارد» و این به این معنی نیست که اصلا کاندیدایی ندارد. نزاع‌ها و حواشی کاندیداهای دولت اما به اینجا محدود نماند. این نزاع‌ها وقتی به اوج رسید که نامه‌ای که به امضای برخی اعضای درون دولت رسیده بود، در رسانه‌ها منتشر شد. این نامه که خطاب به اعضای شورای نگهبان نوشته شده بود، به امضای نزدیک به ۱۵ نفر از اعضای دولت رسیده بود. امضاکنندگان شهادت دادند که محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فعلی دولت که در انتخابات نام‌نویسی کرده، تدبیر کافی برای اداره دولت آینده را دارد. انتشار این نامه واکنش‌ها و نقدهای زیادی را متوجه اعضای دولت کرد. اما آنچه منتشر شده چند نکته درباره نظر و نگاه بدنه دولت در مورد گزینه احتمالی آنها در انتخابات را مورد توجه قرار می‌دهد. اصلی‌ترین پیامی که نامه دولتی‌ها دارد، مخالفت آنها با سعید جلیلی است که تلاش داشته خود را به‌عنوان گزینه اصلی دولت در میان افکارعمومی جا بیندازد و به نظر می‌رسد رای اشتراکی بیشتری با دولت در انتخابات داشته باشد. نامه اخیری که دولتی‌ها آن را امضا کردند، جدای از حمایت آنها از یک گزینه خاص در دولت، فاصله‌گذاری آنها با سعید جلیلی را نشان می‌دهد. آنچه تا الان در فضای جنجالی و پرحاشیه و قبل از اعلام نظر شورای نگهبان تا الان شفاف شده این است که برخلاف آنچه تصور می‌شد، نظر و نگاه اعضای دولت روی حمایت از سعید جلیلی متمرکز نشده و دولتی‌ها به گزینه‌های دیگری فکر می‌کنند. این نامه بعد از حضور یکی از اعضای دولت و یکی از افراد منتسب به دولت سیزدهم با محمدمهدی اسماعیلی در وزارت کشور، نشان داد دولتی‌ها می‌خواهند روی گزینه‌های دیگری غیر از جلیلی تمرکز کنند. از طرفی نگاهی به امضاکننده‌ها هم نشان می‌دهد، به جز وزیر کشور، وزیر اطلاعات و وزیر میراث‌فرهنگی، دیگر افرادی که نام آنها در میان امضاکنندگان دیده نمی‌شود، کاندیداهایی هستند که در انتخابات نام‌نویسی کرده‌اند. پیام دیگر نامه دولتی‌ها فاصله‌گذاری با دیگر کاندیداهای دولتی است. درحالی‌که نامزدهایی از درون دولت فعالیت‌های انتخاباتی خود را شروع کرده‌اند و خودشان را ادامه‌دهنده مسیر دولت سیزدهم معرفی می‌کنند و قرار هم نیست به نفع دیگری کنار بکشند، نامه اخیر دولتی‌ها نشان می‌دهد برخلاف تصور آنها، اعضای کابینه، آنها را به‌عنوان گزینه دولت قبول ندارند و اگر مرحله تایید صلاحیت‌ها را پشت‌سر بگذارند و وارد کارزار انتخاباتی شوند، اقبال کمتری دارند تا با شعار ادامه مسیر دولت سیزدهم، بخشی از رای دولت را به سبد رای خود بریزند. براین اساس می‌بایست وجه سلبی نامه دولتی‌ها و فاصله‌گذاری آنها با بعضی نامزدها درون و بیرون از دولت، را پررنگ‌تر از وجه ایجابی آن دانست.

جبهه اصلاحات در مسیر انتخابات اسفند

جبهه اصلاحات بعد از اعلام برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری، بازهم آرایش انتخاباتی مشابه مجلس دوازدهم به خود گرفت، سند راهبردی که جبهه اصلاحات منتشر کرد، همچنان روی مشارکت مشروط و عدم حمایت از نامزد نیابتی تاکید داشت. طیف میانه‌رو اصلاح‌طلبان این بار هم بیانیه‌ای با نام «راهگشایان» منتشر کرد و از لزوم حمایت و مشارکت در انتخابات گفت. خاتمی، رئیس دولت اصلاحات هم در بیانیه‌ای که منتشر کرد، میانه این دو شکاف ایستاد و موضعی میانه در مورد انتخابات گرفت. درحالی‌که راهگشایان در ادامه مواضع خود معتقدند برای پیروزی در انتخابات می‌توان مشابه موقعیت سال ۹۲ از نامزد نیابتی حمایت کرد اما رئیس جبهه اصلاحات آب پاکی را روی دست میانه‌روها ریخت و گفت: «ما راه رفته را تکرار نمی‌کنیم و زیر بار کاندیدای نیابتی نمی‌رویم؛ باید نامزد خود را داشته باشیم و خود جبهه اصلاحات باید آن فرد را انتخاب کند.» اگرچه کنش اصلاحاتی‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری یک تفاوت با انتخابات مجلس داشت و این بار آنها علنا حضور در انتخابات را تحریم نکردند، اما با توجه به کنش انتخاباتی آنها در این دوره نیز به نظر نمی‌رسد قصد حضور حداکثری در انتخابات تیرماه را داشته باشند. در ادامه همین مسیر هم جبهه اصلاحات روز جمعه جلسه‌ای با حضور برخی از کاندیداهای انتخاباتی برگزار کرد. خروجی این جلسه و کاندیداهایی که حائز دوسوم رای در جلسه اصلاحات شدند هم نکات مهمی را در مورد دورنگاه و ایده اصلاحات برای دولت چهاردهم را مورد توجه قرار می‌دهد. عباس آخوندی، وزیر مسکن دولت روحانی با ۲۶ رای بیشترین رای و مسعود پزشکیان و اسحاق جهانگیری نیز با ۲۴ رای به‌عنوان نامزدهای مورد حمایت جبهه اصلاحات معرفی شدند.

آخوندی؛ لیبرال‌ترین اصلاح‌طلب با کارنامه منفی

نام عباس آخوندی با حواشی و اتفاقاتی که در دوران وزارتش در دولت روحانی اتفاق افتاده پیوند خورده است. افتخار عباس آخوندی به نساختن مسکن‌مهر و نقدهای زیاد او به این طرح هنوز از خاطر افکارعمومی پاک نشده است. آخوندی به‌عنوان نماد ناکارآمدی دولت روحانی در حوزه مسکن شناخته می‌شود. پای این حواشی حتی به نشست خبری او بعد از ثبت‌نام باز شد و آخوندی در پاسخ خبرنگاران مدعی شد در دوره او «یک میلیون مسکن» ساخته شده است. آخوندی، گزینه‌ای که بیشترین رای را در جبهه اصلاحات آورده است، چهره چندان محبوبی در میان افکارعمومی محسوب نمی‌شود و پایگاه رای منفی او در کنار پایگاه رای مثبت او فاصله قابل‌توجهی دارد، چه بسا سبد رای او به یک میلیون هم نرسد. با توجه به اینکه زمان انتخابات هم در مقایسه با دوره‌های گذشته خیلی محدود است نمی‌توان توقع داشت یک‌دفعه رای او به بالای ۱۰ میلیون یا حتی بیشتر برسد. از طرفی عباس آخوندی یکی از لیبرال‌ترین اصلاح‌طلبان به شمار می‌رود. بخش زیادی از انتقادات به آخوندی ناظر به نظرات لیبرالی او در دولت مطرح می‌شد. آخوندی به اقتصاد بازار آزاد معتقد بود و دیدگاه‌های مخالف خود را درچهارچوب نظرات سوسیالیستی قرار می‌داد. برای مثال در یک نشست در انتقاد به تصمیم سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان گفته بود: «عده‌ای هنوز در این مملکت دنبال این هستند که با تعالیم سوسیالیسم دوباره به سیستم‌های قیمت‌گذاری برگردند. این بساطی که حضرات راه انداخته‌اند از تعالیم حضرت مارکس است.» با توجه به نگاه و نقطه نظرات آخوندی به نظر می‌رسد اصلاحاتی‌ها اشتباه واضحی کردند و تخم‌مرغ‌ها را در سبد اشتباهی گذاشتند؛ چراکه هنوز زمان زیادی از تجربه دولت روحانی نگذشته و دولت سیزدهم هم در حالی به پایان خود می‌رسد که ایده عدالت‌خواهی و مسیری که دولت تلاش می‌کرد در ریل آن حرکت کند مطلوب مردم بود و طبیعی است که ایده‌های لیبرالی شانس چندانی برای پیروزی در انتخابات ندارند. با فرض تایید صلاحیت عباس آخوندی به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان زمین بازی را به‌راحتی به رقبا واگذار کرده و پیش از شروع کارزار انتخاباتی، باخت دیگری در کارنامه کنش‌های انتخاباتی خود ثبت کردند.

اصلاحات در بن‌بست خودخواسته

یکی از آسیب‌های اصلی که اصلاحات را به سمت حمایت از گزینه‌ای مثل آخوندی سوق می‌دهد، عدم شناخت و برآورد درست آنها از جامعه و شرایط فعلی آن است، درحالی‌که سعید حجاریان به‌عنوان تئوریسین اصلاحات بارها هشدار داده بود که اصلاح‌طلبان باید بازتعریفی از مفهوم عدالت ارائه دهند و تاکید کرد که اهمیت این بازتعریف بعد از تجربه دولت سازندگی که «توسعه اقتصادی» محور قرار گرفت و بحث عدالت «به کلی ممنوعه» شد، بیشتر هم می‌شود. اما به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان قصد ندارند تلاشی برای بازتعریف و اصلاح ایده‌های خود انجام دهند. رای بیشتر آخوندی نیز بر این نقطه نگاه صحه می‌گذارد. اگر مبنای اصلاحات بر حرکت در مسیر عدالتخواهی بود، با فرض انتخاب نامزدی ۱۰۰ درصد اصلاح‌طلب، مسعود پزشکیان هم گزینه مطلوب‌تری به نظر می‌آمد هم در چهارچوب پیگیری ایده‌های عدالت‌خواهانه گنجانده می‌شد. علاوه‌براین آخوندی یکی از کاندیداهایی است که شانس کمتری برای تایید صلاحیت دارد و شانس اسحاق جهانگیری نیز برای تایید صلاحیت تقریبا منفی است. در این چهارچوب مسعود پزشکیان یکی از افرادی است که شانس بیشتری برای تایید دارد. نهایتا خروجی چنین تصمیمی، باخت اصلاحاتی‌ها و حذف بی‌دردسر آنها از کارزار انتخاباتی را به همراه خواهد داشت. جدای از اینکه گزینه‌های معرفی‌شده توسط اصلاحات پایگاه اجتماعی قابل‌قبولی هم ندارند و چهره‌های چندان محبوبی به شمار نمی‌روند، اجماع روی این گزینه‌ها خلأ ایده و شخصیت اصلاحات را نشان می‌دهد و اصلاح‌طلبان را در مسیری قرار می‌دهد که هر دو طرف آن بن‌بست است. حالا اصلاح‌طلبان رسما اعلام کردند که جز این سه نفر گزینه دیگری در انتخابات نخواهند داشت، با فرض اینکه انتخابات به مرحله دوم برسد و یکی از نامزدها علی لاریجانی باشد، اصلاحاتی‌ها اساسا امکان حمایت از او را ندارند؛ چراکه پیش‌تر اعلام کرده بودند گزینه‌های اصلی آنها چه کسانی هستند و بنابراین با فرض اینکه نتیجه چه باشد، انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ را می‌بازند و چهار سال دیگر از ساختار قدرت حذف می‌شوند. ادامه این حذف اصلاح‌طلبان، بعد از ۹۸، ۱۴۰۰، ۱۴۰۲ و حالا در ۱۴۰۳، عملا آنها را به گروه سیاسی حذف‌شده از قدرت تبدیل می‌کند که اقبال عمومی هم به همراه ندارند و جبهه اصلاحات را به گروه سیاسی منزوی تبدیل می‌کند که در کنار دیگر احزاب مثل نهضت آزادی هیچ کارایی و نقشی در ساختار قدرت ندارد.

کلیپ‌های تبلیغاتی؛ نقطه ضعف کاندیداها

اگرچه رقابت‌های انتخاباتی هنوز شروع نشده اما کاندیداهای انتخاباتی که تصورشان این است شانس بیشتری برای پیروزی دارند، تبلیغات انتخاباتی خود را در شبکه‌های اجتماعی کلید زدند. در این میان نیز چند نکته مهم در مورد انتشار برخی از این کلیپ‌ها وجود دارد که نشان می‌دهد، برخلاف تصور کاندیداها این کلیپ‌ها به نقطه ضعف آنها تبدیل شده است. در میان این کاندیداها، مهرداد بذرپاش ازجمله افرادی است که انتشار کلیپ تبلیغاتی او حواشی و واکنش زیادی به همراه داشت. بهتر است کاندیداها ابتدا این سوال را از خود بپرسند که مخاطب و جامعه هدف آنها برای جذب رای چه طیفی از جامعه است. در این میان بهتر است که کاندیداها از بدنه اصولگرایی ابتدا روی جذب آرا و نظر طیف اصولگرا تمرکز کنند و بعد از تثبیت رای به‌دنبال جذب نظر بخش خاکستری حرکت کنند. در همین چهارچوب انتشار برخی کلیپ‌های تبلیغاتی از جانب برخی کاندیداها این نکته را مورد توجه قرار می‌دهد که آنها جدای از اینکه شناخت درستی از جذب مخاطب و جامعه هدف ندارند، مشاوران رسانه‌ای چندان خوبی نیز ندارند. در سمت دیگر نیز انتشار کلیپ‌های تبلیغاتی علی لاریجانی نیز ازجمله مواردی است که به نقاط ضعف او تبدیل شده، روح حاکم بر کلیپ‌های تبلیغاتی لاریجانی نوعی تفرعن و تبختر را در نگاه مخاطب ایجاد می‌کند، تصویرهایی که بر این گزاره صحه می‌گذارد که نگاه از بالا به پایین به مردم جامعه وجود دارد. جدای از عجله نامزدها برای انتشار کلیپ‌ها، به‌نظر می‌رسد بخش زیادی از تبلیغات در فضای اجتماعی در دام افراط و تفریط افتاده و شبکه اجتماعی زده است.

ادامه از صفحه ۱

فرصت انتخابات چهاردهم

سیاست‌ورزی بر مدار تقوا

سلوک سیاسی شهید رئیسی در کمتر از یک دهه حضور در سطح عالی سیاست‌ورزی کشور نشان داد که می‌توان در بالاترین عرصه سیاست ایستاد، اما دین، اخلاق و آزادگی را از دست نداد. آنچه از سیره شهید رئیسی در روزهای پس از شهادت ایشان در افواه و محافل مختلف مطرح بوده و رهبری انقلاب نیز در سخنرانی مهم ۱۴ خرداد بر آن تاکید فرمودند، خصلت‌هایی است که التفات و التزام به آنها از سوی سیاسیون و گروه‌های سیاسی می‌تواند فضای سیاست ایران را از بسیاری کژکارکردها، نارسایی‌ها و بی‌اخلاقی‌ها نجات دهد. صداقت در برخورد با مردم، صمیمیت در تعامل با همکاران، تغافل و گذشت در مواجهه با بدخواهان و اهانت‌کنندگان و صراحت و مرزبندی با دشمنان انقلاب و مردم ایران، سرفصل‌های میراثی هستند که شهید سیدابراهیم رئیسی برای سپهر سیاسی ایران برجای گذاشته است. باور و التزام سیاسیون و جریانات سیاسی کشور به این مهم در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم، زمینه بهره‌مندی از فرصت ایجاد شده را دوچندان خواهد ساخت.

رقابت سیاسی بدون تخریب و بی‌اخلاقی

حضور شهید سیدابراهیم رئیسی در دو انتخابات ریاست‌جمهوری در سال‌های ۹۶ و ۱۴۰۰، سرفصل‌های مهمی از نحوه حضور در رقابت‌های انتخاباتی در نظام اسلامی را تبیین کرد. شهید رئیسی نشان داد که می‌توان بدون قدرت‌طلبی و بی‌اخلاقی در رقابت انتخاباتی حضور داشت و می‌توان مصلحتی بالاتر و بزرگ‌تر از منافع فردی و حزبی را در یک کمپین انتخاباتی دنبال کرد. حضور او در مناظراتی که سال‌ها با اغواگری، اتهام‌زنی، تخریب و تمسخر، فضای سیاسی را مسموم کرده و از این طریق تدریجا مردم را از رقابت‌های سیاسی بیزار کرده بود، ناگهان جامعه را با پدیده‌ای بدیع مواجه ساخت که جواب تمسخر را با سکوت می‌دهد و جواب اهانت را با استغفار. رویکرد اخلاقی و شریعتمدار رئیسی در این دو انتخابات، ذائقه جامعه را با سبکی جدید از رقابت انتخاباتی آشنا کرد. به نظر می‌رسد، مطالبه مردم از دستگاه‌های مسئول و نامزدها آن است که رقابت‌های انتخاباتی در مرزهای اخلاق و شرع صورت پذیرد. هر نوع بی‌اخلاقی، توهین، سیاه‌نمایی، تخریب و اغواگری، به‌راحتی فضای ایجاد شده برای یک انتخابات باشکوه و عظمت را محدود و مضیق خواهد ساخت. امری که رهبری معظم نیز، برای چندمین بار در بیانات اخیر خود آن را مطالبه کرده‌اند.

قدرت به مثابه امانت و نه طعمه

شهید دکتر رئیسی درمجموع کمتر از سه سال رئیس‌جمهور بود اما در این مدت کوتاه نشان داد که یک کارگزار تراز جمهوری اسلامی، چگونه با اینکه بر مسند قدرت است اما آن را طعمه و متاع نمی‌بیند. رئیسی برخلاف بسیاری که برای حفظ قدرت درون جبهه و گروه و باند خود، از هیچ اقدامی ابا ندارند، قدرت را امانت مردم می‌دانست و حاضر نبود برای حفظ آن مصالح خود آنها را گروگان بگیرد. به‌درستی، همین نگاه است که شهید رئیسی را به قلوب مردم راه داده و در روزگار پس از شهادت او روزنه‌هایی را برای تحکیم پیوند مردم و حاکمیت ایجاد کرده است. امری که به نظر می‌رسد مدعیان تداوم دولت او باید بیش از دیگران به آن پایبند بوده و از اقدامات مبتذل و بازی‌های قدرت، حداقل در زیر نام دولت او در این واپسین روزهای حیات دولت سیزدهم بپرهیزند. یقینا اگر این میراث گران‌بها به‌درستی پاسداری نشود، این فرصت تاریخی نیز به سادگی از دست خواهد رفت.

کارسخت رئیس‌جمهور نهم

دولت سیزدهم از همان روز نخست فعالیت خود تلاش کرد تا گفتمان مورد نظر رئیس‌جمهور شهید را در کالبد برنامه‌ها و اقدامات خود بروز دهد. سفرهای استانی، راه‌اندازی واحدهای تولیدی تعطیل و نیمه‌تعطیل و سیاست خارجی مبتنی‌بر همسایگی در کنار ترک نکردن میز مذاکرات، تدریجا تصویر دولت سیزدهم را به شعار انتخاباتی رئیس‌جمهور، یعنی «دولت مردمی، ایران قوی»، نزدیک می‌ساخت. هرچند، دولت نتوانست در حل مسائل اقتصادی به ثمر و نتیجه درخوری دست یابد، اما تغییر نگاه مردم به دولتمردان به‌ویژه رئیس‌جمهور و ادراک مردم به‌ویژه بخش‌های محروم جامعه از التفات دولت به مسائل و مشکلات آنها و در یک کلام زنده کردن «امید» در دل‌های مردم دستاوردی گران‌بها بود؛ مواردی که پس از شهادت رئیس‌جمهور، در بیان بخش‌های مختلفی از جامعه بازتاب داشت و رهبری انقلاب نیز با تعبیر زنده کردن شعارهای اصیل انقلاب آن را تصدیق کردند. همین مساله، در وهله اول کار نامزدهای انتخاباتی برای بیان دیدگاه‌ها و برنامه‌های خود را دشوار کرده و در وهله دوم و به‌مراتب دشوارتر، کار رئیس‌جمهور منتخب را بسیار سخت خواهد کرد. طبیعتا شعارها، تبلیغات و رقابتی که نتواند بذر امید را در دل‌های مردم بکارد یا همین روزنه امید ایجاد شده را مسدود کند، نه‌فقط زحمات شهید عزیز را ابتر ساخته که فرصت تاریخی پدید آمده را نیز از بین خواهد برد.

کلام آخر: فرصت‌ها زودگذرند

مشخصا، وجود چنین فرصت تاریخی برای جمهوری اسلامی نیازمند استفاده درست و به‌هنگام از آن نیز هست. چه اینکه فرصت‌های طلایی تاریخی اگر به‌درستی شناخته نشده و مورد استفاده قرار نگیرند، زمینه‌ساز بازتولید تهدیدها و بسترساز وقوع بحران‌ها خواهند بود. به همین دلیل، در همین فرصت کوتاه باقی‌مانده بازیگران عرصه سیاسی کشور از نهادهای مجری و ناظر انتخابات گرفته تا رأی‌دهندگان همگی باید با هوشیاری و دقت وظیفه خود را شناخته و بدان عمل کنند. در این میان، چهارچوب برگزاری انتخابات که با ثبت‌نام نامزدها اتود اولیه آن زده شده و با اعلام نهایی نامزدها توسط شورای نگهبان در روزهای آتی مستقر خواهد شد، نقشی اساسی در استفاده درست از این فرصت دارد. نگاهی به فرآیند ثبت‌نام در هفته گذشته نشان می‌دهد، علی‌رغم وجود فضای اجتماعی فراهم برای ترویج و تبیین سلوک سیاسی و انتخاباتی رئیس‌جمهور فقید، نامزدهای احتمالی فارغ‌البال مشغول ایفای نقش‌های تکراری گذشته‌اند. این امر حتی در مواردی به پاس نداشتن حرمت رئیس‌جمهور شهید نیز منتهی شده است. تأسف‌بارتر جایی است که گذشته از نامزدهایی که به نادرستی قصد رقابت با شهید را دارند، نامزدهای مدعی ادامه راه شهید نیز با رفتارهای مبتذل و طراحی‌های نخ‌نما و دستپاچه، حرمت شهید را پاس نداشته و به عملیات تخریب مسیر و تصویر شهید عزیز مهمات می‌رسانند. در این شرایط نقش شورای نگهبان بسیار مهم و اثرگذار خواهد بود. به نظر می‌رسد شورای نگهبان اکنون در بزنگاه تاریخی ادای یک مأموریت خطیر در پاسداری از جمهوریت نظام در این فرصت تاریخی قرار دارد.